



ویژه نامه
سالروز آغاز امامت
حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف



ویژه نامه سالروز آغاز امامت حضرت ولی عصر



آغاز امامت امام زمان

پس از شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری قمری، حضرت امام زمان علیه السلام به امامت رسیدند. با تمام سفارشات و وصایای امام علیه السلام نسبت به امامت فرزندشان حضرت مهدی علیه السلام جعفر کذاب ادعای امامت کرد.

در اینجا به دو مورد از ظاهر شدن حضرت مهدی علیه السلام بر جعفر بن کذاب اشاره می شود: محمد بن صالح می گوید پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام هنگامی که جعفر کذاب در امر میراث منازعه می کرد، صاحب الزمان از موضع نامعلومی در برابر جعفر درآمد و فرمود: ای جعفر، برای چه متعرض حقوق ما می شوی؟ جعفر متحیر و مبهوت شد سپس وی از دیدگانش نهان گردید بعد از آن جعفر در میان مردم به طلب او درآمد اما وی را ندید و چون مادر امام حسن - جده آن حضرت - درگذشت گفته بود که در همان سرا دفن شود و جعفر با آنها به منازعه برخاست و گفت: این سرای من است و کسی در آن دفن نمی شود، آن حضرت بیرون آمد و فرمود: ای جعفر، آیا این سرای تو است؟ سپس از دیدگانش نهان گردید و دیگر آن حضرت را ندید. (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۷۳)

لزوم اعتقاد در عصر غیبت

امام جواد علیه السلام می فرماید: «حضرت مهدی علیه السلام بعد از اینکه یادش از خاطره ها محو شد و بیشتر معتقدان به امامتش، از اعتقاد خود برگشتند قیام می کند». شیعیان آن حضرت باید در عصر غیبت، اعتقاد به وجود مبارک آن حضرت، تقوا و دین داری را سرلوحه اعمال خود قرار دهند؛ چرا که امام صادق علیه السلام می فرماید: «صاحب الامر غیبتی خواهد داشت که هر کس در آن دوره بخواهد دین دار بماند، باید سختی هایی را به جان بخرد و دو دستی به دین خود بچسبید».

بنابر این شیعیان با دو رویکرد حدیثی و کلامی به تبیین نظریه غیبت برخاستند. کلینی (۳۲۹ هجری قمری/۹۴۱ م). در احادیث باب غیبت کتاب اصول کافی که در خلال دوره سفر (موسوم به غیبت صغری) گرد آورد و به موضوع غیبت و علت آن پرداخت. به خصوص نعمانی در کتاب الغیبه به تبیین نظریه غیبت از طریق احادیث پرداخت و او برای نخستین بار اصطلاحات «غیبت صغری» و «غیبت کبری» را به کار برد.

پس از وی ابن بابویه (۹۹۱-۹۹۲) در کتاب کمال الدین در خصوص گردآوری احادیث مربوط به امام دوازدهم و غیبت او کوشید. از دیگر سو، متخصصان علم کلام از جمله شیخ مفید (۴۱۳ هجری قمری/۱۰۲۳ میلادی)؛ و شاگردانش بخصوص سید مرتضی (۱۰۴۴-۱۰۴۵) به تدوین نظریات کلامی امامت جهت تبیین ضرورت وجود امام زنده در شرایط غیبت پرداختند. اعتقاد به امام غائب، برکات متعددی برای شیعیان تحت آزار و ستم داشت. از آنجا که امام غائب پتانسیل تهدید کمتری نسبت به یک امام حاضر داشت تنش ها با حاکمان سنی مذهب کاهش یافت. اعتقاد به ظهور امام غائب باعث شد که انتظار بتواند جایگزین چالش مستمر نظام سیاسی حاکم شود. امام غائب باعث عامل وحدت شیعیانی شد که پیش از آن، هر گروه، دور یکی از امامان حاضر گرد می آمدند و دچار انشقاق شده بودند. به علاوه اعتقاد به ظهور امام غائب به عنوان مهدی شیعیان را در تحمل شرایط دشوار یاری نموده و به آن ها امید آینده ای سرشار از دادگری داده است.

شروع دوران غیبت

بعد از نماز خواندن حضرت مهدی علیه السلام بر پیکر پدر و رد کردن ادعای کذب جعفر را از نظرها پنهان شدند. از این زمان بود که دوران غیبت اولیه حضرت آغاز شد که به غیبت صغری معروف است.

به سندی که از امام صادق علیه السلام به دست شیعیان رسیده است حضرت دوران غیبت امام زمان علیه السلام را به دو قسمت تقسیم کردند و فرمودند: «صاحب الامر دو غیبت دارد یکی از آنها به طول می انجامد تا جایی که بعضی می گویند او مرده است و برخی می گویند کشته شده و عده ای می گویند رفته است تا آنجا که جز قلیلی از یارانش کسی بر اعتقاد به وجود و ظهور وی باقی نمی ماند. هیچ کس نه اولاد او و نه دیگران جز خداوندی که ظهور او به دست وی است از مکان او اطلاع ندارند.» (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۳۰ - این حدیث در غیبت نعمانی هم به سند دیگر آمده است.)

دوران غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری قمری آغاز شد آن چنان که مورخین نقل کرده اند تا سال ۳۲۹ هجری قمری ادامه داشت.

ناگفته نماند که پیشتر از این ائمه هدی علیهم السلام هر کدام به نحوی مردم را برای دوران ظهور آماده کرده بودند. همچنان که مسعودی روایتی به نقل از امام هادی علیه السلام در اثبات الوصیه آورده است:

موقعی که امر امامت به امام حسن عسکری علیه السلام واگذار شد؛ آن حضرت با شیعیان خصوصی خود و غیر آنان از پشت پرده صحبت می کرد. (اثبات الوصیه، ص ۵۰۷)

علت چنین رفتاری از امام حسن عسکری علیه السلام و پدر بزرگوارشان فراهم کردن مقدمه غیبت امام زمان حضرت مهدی علیه السلام بود تا گروه شیعیان با این موضوع مأنوس شوند و منکر غائب شدن امام نشوند و مردم نیز به پنهان بودن امام عادت کنند.

در روایتی دیگر آمده است: در سال ۲۶۰ هجری قمری امام حسن عسکری علیه السلام به شیعیانش فرمود: ما به شما امر کردیم که انگشتی را به دست راست خود کنید و این به خاطر آن بود که ما در میان شما حضور داشتیم و اینک به شما امر می کنیم که انگشتی را [مانند اهل سنت] به دست چپ خود کنید؛ زیرا از دیدگان شما پنهان خواهیم شد. [و غیبت صغری و سپس کبری شروع خواهد گشت] تا زمانی که خداوند امر ما و شما را عیان فرماید و قطعاً این بهترین دلیل بر دوستی ما اهل بیت از جانب شما خواهد بود. پس همه حاضران در مجلس انگشتهای خود را از دست راست درآوردند و به چپ کردند. (أصول الکافی؛ ج ۲؛ ص ۴۶۸)

ماجرای سرداب

معتضد عباسی سپاهی را از بغداد به سامرا برای دستگیری حضرت مهدی علیه السلام فرستاد. یکی از مأموران به نام رشیق می گوید: وقتی سپاه معتضد وارد سامرا شد، به طرف سرداب، زیرزمینی که مدتی محل زندگی سه امام بزرگوار بود، هجوم آوردند. آن ها پشت درب سرداب، صدای تلاوت قرآن را از حضرت مهدی علیه السلام شنیدند. لشکر پشت در اجتماع کردند و فرمانده شان پیشاپیش آن ها ایستاده بود. ناگاه حضرت مهدی علیه السلام از راهی که به درب سرداب می انجامید آمد و از پیش روی لشکر عبور کرد و از نظرها غایب شد. در این هنگام، فرمانده خطاب به سپاه گفت: وارد سرداب شوید و مهدی را دستگیر کنید! سپاهیان گفتند: مگر ندیدی که او از روبرو روی تو عبور کرد. ما گمان کردیم تو او را دیده ای و، چون فرمانی ندادی، ما نیز حرکتی از خود نشان ندادیم. بدین ترتیب، امام عصر علیه السلام با قدرت اعجاز از گزند سپاه معتضد نجات یافت و غایب شد.

غیبت صغری امام عصر تا سال ۳۲۹ هجری قمری ادامه داشت و حضرت در این ایام به واسطه نواب خاصه خود با مردم در ارتباط بود. اما خفقان سیاسی آن زمان مقدمات غیبت کبری را رقم زد.

کلینی علت شروع غیبت کبری را در کافی اینگونه آورده است: «بنی فرات قبیله ای هستند شیعه مذهب بیشتر آنها به مقام وزارت رسیدند. یکی از آنها ابو الفتح جعفر بن فرات است که وزیر مقتدر هجدهمین خلیفه عباسی بود و پس از مقتدر وزیر محمد ابن جعفر شد. گفته اند همین پیشامد از موجبات غیبت کبری شد که در سال ۳۲۹ قمری اتفاق افتاد.» (حسین بن حسن علوی گوید: مردی از ندیمان روز حسنی و مرد دیگری که همراه او بود به او گفت: اینک او [یعنی حضرت صاحب الزمان علیه السلام] اموال مردم را [به عنوان سهم امام علیه السلام] جمع می کند و وکلانی دارد و وکلای آن حضرت را که در اطراف پراکنده بودند؛ نام بردند. این خبر به گوش عبید الله بن سلیمان وزیر رسید، وزیر همت گماشت که وکلا را بگیرد، سلطان گفت: جستجو کنید و نبینید خود این مرد کجاست، زیرا این کار سختی است. عبید الله بن سلیمان گفت: وکلا را می گیریم. سلیمان گفت: نه، بلکه اشخاصی را که نمی شناسند به عنوان جاسوس با پول نزد آنها می فرستیم، هر کس از آنها پولی قبول کرد، او را می گیریم. از حضرت نامه رسید که به همه وکلاء دستور داده شود: از هیچ کس چیزی نگیرند و از گرفتن سهم امام خودداری نمایند و خود را به نادانی زنند، مردی ناشناس به عنوان جاسوسی نزد محمد بن احمد آمد و در خلوت به او گفت: مالی همراه دارم که می خواهم آن را برسانم، محمد گفت: اشتباه کردی، من از این موضوع خبری ندارم، او همواره مهربانی و حیلگری می کرد و محمد خود را به نادانی می زد و نیز آنها جاسوسها را در اطراف منتشر کردند و وکلا از گرفتن خودداری می کردند به واسطه دستوری که به آنها رسیده بود. از جانب ناحیه مقدسه و حضرت صاحب الزمان علیه السلام نامه رسید و از زیارت مقابر قریش (کاملین علیهما السلام) و حائر (کربلای معلی) نهی شد چون چند ماه گذشت وزیر (یعنی ابو الفتح جعفر بن فرات) باقطنی را خواست و به او گفت: بنی فرات و برسیها را ملاقات کن و به آنها بگو، مبادا به زیارت مقابر قریش بروند، زیرا خلیفه دستور داده است هر که زیارت کند در کمینش باشند و او را بگیرند. (اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۸، ۴۶۷))

حکمت و چرایی غیبت

بعد از سیصد و اندی سال حضور یازده معصوم که از جانب خداوند برای هدایت بشری آمدند، غیبت آخرین رشته از این حلقه وصل الهی بی شک حکمتی دارد که آن هم از لسان ائمه معصومین مورد وثوق می باشد.

در این باب علامه مجلسی در بحار الانوار دلائل غیبت را در روایات مختلف چنین آورده است:

۱. ترور
در کمال الدین از زراره روایت نموده که حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: آن جوان را قبل از قیامش غیبتی خواهد بود. عرض کردم: برای چه؟ فرمود: می ترسد کشته شود. (تحف العقول، ص ۸۹۳) البته این ترس با عدم اراده خداوند به ظهور آن حضرت توأم است و گرنه او نیز مانند پدران بزرگوارش از کشته شدن در راه خدا بیم ندارد و در حدیثی دیگر با همین مضمون در کمال الدین از زراره بن اعین روایت می کند که گفت: از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمودند: آن جوان پیش از آنکه قیام کند غیبت می کند. عرض کردم: برای چه غیبت می کند؟ فرمود: می ترسد و در این وقت اشاره به شکم و گردن خود نمود. (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۷)



ویژه نامه سالروز آغاز امامت حضرت ولی عصر



۲. نبودن بیعتی بر عهده حضرت

دلیل دیگری که در روایات برای غیبت حضرت بدان اشاره شده این است که حضرت نمی‌خواهند تا پیش از ظهور بیعت هیچ کس بر گردنشان باشد.

از حسن بن فضال از پدرش حضرت امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: گویی شیعیان را به هنگامی که چهارمین از فرزندان مرا از دست می‌دهند؛ می‌بینم که دشت و دمن را می‌گردند و او را نمی‌یابند. عرض کردم: یا ابن رسول الله چرا چنین می‌شود؟ فرمود: برای اینکه امام آنها از نظرشان غائب می‌گردد. عرض کردم: چرا غائب می‌شود؟ فرمود: برای اینکه وقتی با شمشیر قیام کرد، بیعت هیچ کس در گردن وی نباشد. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۵۱)

۳. غربال شدن شیعیان

یکی دیگر از دلایل غیبت امام عصر، قرار گرفتن مردم در معرض ابتلا و آزمایش الهی است تا غربال شوند و همچون طلای ناب شیعیان واقعی باقی بمانند.

در روایتی عبد الله بن ابی یعفور از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که از آن حضرت شنیده است که می‌فرماید: «وای بر سرکشان عرب از شری که در پیش است، عرض کردم: فدایت گردم از عرب چه تعداد با قائم همراه هستند؟ فرمود: تعداد اندکی، پس عرض کردم: به خدا قسم از عرب کسانی که این امر را وصف می‌کنند (قائل به این امر باشند) بسی فراوانند، پس آن حضرت فرمود: ناگزیر مردم باید مورد آزمایش و امتحان قرار گیرند و غربال معنوی شوند که در این صورت بیشتر نخاله از غربال خارج می‌گردند. (الغیبه للنعمانی، ص ۲۹۲)

از جابر جعفی روایت می‌کند که گفت: به حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: فرج شما کی خواهد بود؟ فرمود: هیهات، هیهات، فرج ما تحقق نمی‌پذیرد مگر این که شما آزمایش شوید، باز هم آزمایش شوید، باز هم آزمایش شوید. این را سه بار فرمود تا آنجا که آلودگی برطرف شود و پاکی بماند. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۸۰)

نواب اربعه حضرت صاحب الامر (عج الله تعالی فرجه الشریف)

در طول دوران ۶۹ ساله یا ۷۴ ساله غیبت صغری، چهار تن از بزرگان شیعه عهده دار مقام نیابت یا سفارت خاص امام عصر علیه السلام بودند که نام آنها بدین قرار است:

۱. ابو عمرو، عثمان بن سعید: که از سن یازده سالگی در حضور ائمه قبلی علیهم السلام مشغول خدمت بوده است و از اصحاب مورد اعتماد امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام محسوب می‌شوند. عثمان بن سعید را عسکری نیز گویند، زیرا وی از قریه «عسکر» سامره بوده است و او را «سَمَان» هم می‌گویند زیرا به خاطر پنهان داشتن منصب سفارتی که از جانب امام زمان علیه السلام داشت، روغن فروشی می‌کرد. رسم وی چنین بود که شیعیان اموالی را که برای امام حسن عسکری علیه السلام می‌آوردند به وی می‌دادند و او از ترس آنها را میان خیک روغن پنهان نموده و بدین گونه به خانه امام می‌رسانید. وی در سالهای ۲۶۷ - ۲۶۰ هجری قمری منصب نیابت امام زمان علیه السلام را عهده دار بود. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۵۰)

۲. ابوجعفر محمد بن عثمان: وی فرزند نائب اول امام عصر علیه السلام است که در سالهای ۳۰۵ - ۲۶۷ هجری قمری عهده دار منصب نیابت خاص بود. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۶۵)

چون محمد بن عثمان مسافر راه آخرت شد منصب نیابت حضرت به حسین بن روح واگذار شد.

۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی: نیابت بعد از محمد بن عثمان به حسین بن روح واگذار شد و در وثاقت این فرد نزد محمد به عثمان همین بس که در روایتی که از ابوالحسن علی بن بلال آمده این است که می‌فرمود: محمد بن عثمان (رضی الله عنه) ده نفر وکیل در بغداد داشت که ابوالقاسم حسین بن روح (رضی الله عنه) هم در میان آنها بود و همه آنها از حسین بن روح به وی نزدیکتر بود. (الإحتجاج علی أهل اللجاج؛ ج ۴؛ ص ۳۰۲/ بحار الانوار؛ ج ۵۱؛ ص ۶۷۰)

این عالم بزرگوار از سال ۳۰۵ هجری قمری تا ۳۲۶ هجری قمری یعنی حدود بیست و یک سال نیابت امام عصر علیه السلام را عهده دار بود.

۴. ابوالحسن علی بن محمد سیمری: وی حدود سه سال یعنی از سال ۳۲۶ تا سال ۳۲۹ هجری قمری به عنوان نایب خاص امام علیه السلام به انجام وظیفه مشغول بود.

هنگامی که رحلت ابی الحسن السمری نزدیک شد جمعی از شیعیان چون در آیام مرض الموت آن مؤمن بر سر بالینش حاضر شدند و گفتند: که یا ابا الحسن به که وصیت نیابت حضرت صاحب الزمان علیه السلام واقع خواهد شد و نائب آن حضرت بعد از شما که خواهد بود؟ علی بن محمد گفت: در این باب اجازه ای ندارم و نمی‌توانم که احدی را بدون اذن آن حضرت نائب قرار دهم. یقیناً آن امام جن و بشر در این امر خواهد بود و آن بر شما بیین و ظاهر خواهد شد. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۷۸)

بنابراین غیبت تامه همان است که بعد از درگذشت سیمری به وقوع پیوست و همچنان ادامه دارد.

بعد از شروع غیبت کبری و اتمام نیابت نواب خاصه حضرت، شیخ صدوق در کتاب اکمال و شیخ طوسی در کتاب غیبت؛ و طبرسی در احتجاج به سندهای صحیح از حضرت صاحب الزمان علیه السلام نقل می‌کنند که در جواب سؤالی اسحاق بن یعقوب نوشتند: و اما حوادث و اتفاقاتی که رخ می‌دهد به روایان حدیث ما رجوع کنید که آنان از جانب من بر شما حجت هستند و من حجت خدا هستم؛ فارجمعوا الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله. (الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۴، ص ۳۰۳)

نواب خاص دوره غیبت صغری در غیاب امام به انجام برخی وظایف مشغول بودند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: آنها زدودن شک و حیرت مردم درباره تولد امام زمان علیه السلام، حفظ امام از خطراتی که او را تهدید می‌کند از راه پنهان داشتن مکان او، پاسخگویی به پرسشهای فقهی و اعتقادی مردم، مبارزه با مدعیان دروغین نیابت، آماده‌سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری، کمک به نیازمندان و توزیع وجوه شرعی.

وظایف شیعیان در دوران غیبت

پرواضح است که شیعیان در زمان غیبت ولی عصر علیه السلام همان وظایفی را دارند که در زمان حضور امام معصوم دارند و باید دید که ائمه معصومین علیهم السلام در وقایع و اتفاقات مختلف به اصحاب و یاران خود چه فرموده‌اند، پس شیعیان نیز همان را اطاعت کنند. در این باب علامه مجلسی به نقل از نعمانی می‌گوید:

«نگاه کنید به شیوه ائمه و دستوری که به ما داده‌اند و رسمی که داشته‌اند و ببینید چگونه در پیش آمده‌ها صبر می‌کردند و خود و شیعیان را از خطر حفظ می‌نمودند و منتظر فرج بودند و می‌گفتند آنها که در این خصوص شتاب می‌کنند به هلاکت می‌رسند و گمراه می‌گردند و آنها که آرزوی (توأم با شتاب) دارند؛ دروغ می‌گویند. ببینید که چطور از کسانی که تسلیم حوادث و گوش به فرمان ائمه هستند و منتظر فرج آل محمد می‌باشند (که هر وقت خدا مصلحت دید آشکار شود) و بردبار و ثابت می‌مانند، تمجید نمودند و فرمودند: آنها رستگارانند و چگونه اینان را تشبیه کرده به سنگری که بر شالوده‌های خود پایدار باشد. پس ای خوانندگان، شما هم از آنها پیروی کنید و تسلیم فرمان آنها شوید و از شیوه آنها قدم بیرون ننهید...» و نیز نعمانی در کتاب «غیبت» از ابو بصیر و او از حضرت امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «وظیفه شیعیان در طول غیبت همان وظایفی که در زمان حضور امام معصوم از جانب ائمه بیان شده است.» (الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۱۷)

چند مورد از وظایفی که در زمان غیبت معصومین علیهم السلام برای شیعیان بیان کرده‌اند بدین شرح است:

تقیه کردن

«حسین بن خالد می‌گوید حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که ورع نداشته باشد دین ندارد و کسی که تقیه نداشته باشد ایمان ندارد، گرامی ترین شما نزد پروردگار کسی است که بیشتر به تقیه عمل کند.

گفتند: ای فرزند رسول خدا، تا به کی؟ فرمود: تا وقت معلوم که روز خروج قائم ما اهل بیت است و کسی که تقیه را پیش از خروج قائم ما ترک کند از ما نیست.

گفتند: ای فرزند رسول خدا، قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود: چهارمین از فرزندان من، فرزند سرور کنیزان، خداوند به واسطه وی زمین را از هر ستمی پاک گرداند و از هر ظلمی منزّه سازد و او کسی است که مردم در ولادتش شک کنند و او کسی است که پیش از خروجش غیبت کند و آنگاه که خروج کند زمین به نورش روشن گردد و در میان مردم میزان عدالت وضع کند و هیچ کس به دیگری ستم نکند و او کسی است که زمین برای او در پیچیده شود و سایه ای برای او نباشد و او کسی است که از آسمان نداکننده ای او را به نام ندا کند و به وی دعوت نماید به گونه ای که همه اهل زمین آن ندا را بشنوند، می‌گوید: «إِنَّ حَجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَ فِيهِ» و این همان قول خدای تعالی در سوره مبارکه شعرا، آیه ۴ است که فرموده است: «إِنَّ نَشَأَ نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ.» (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۱۳)

خواندن دعای غریق

عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: به زودی شبهه ای به شما می‌رسد و در آن بی نشانه هویدا و امام هدایت بمانید و کسی از آن شبهه نجات نمی‌یابد مگر آنکه دعای غریق را بخواند، گفتم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: می‌گویی: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» و من هم گفتم: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب و الأبصار ثبت قلبی علی دینک» امام فرمود: خدای تعالی مقلب القلوب و الأبصار است و لیکن همچنان که من گفتم بگو: «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۰)

مداومت به دعا

زراره بن اعین به نقل از حضرت امام صادق علیه السلام که در باب اخبار زمان غیبت برایشان بیان فرمود به وی گفت: یا زراره، او منتظر است و او کسی است که مردم در ولادتش شک می‌کنند،



ویردنامه
سالروز آغاز امامت
حضرت ولی عصر



برخی گویند او حمل است و هنوز متولد نشده و برخی گویند غایب است و برخی گویند متولد نشده است و برخی دیگر گویند دو سال قبل از وفات پدرش متولد شده است، جز آنکه خدای تعالی دوست می دارد که شیعیان را امتحان کند و در این وقت است که باطل جویان شک کنند. زراره گوید: فدای شما شوم، اگر آن زمان را دریافتیم چه عملی را انجام دهم؟ فرمود: ای زراره، اگر آن زمان را دریافتی به این دعا مداومت کن: «اللهم عرفنی نفسک، فإِنَّک إن لم تعرفنی نفسک لم أعرف نبیک، اللهم عرفنی رسولک فإِنَّک إن لم تعرفنی رسولک لم أعرف حجتک، اللهم عرفنی حجتک فإِنَّک إن لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی.» (کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ص ۱۸)

انتظار فرج

شیخ مفید در «مجالس» از عوف بن مالک روایت نموده که گفت: روزی پیغمبر ﷺ فرمود ای کاش من برادرانم را ملاقات می کردم. ابو بکر و عمر گفتند: مگر ما برادران شما نیستیم که به تو ایمان آورده و هم با تو مهاجرت نمودیم؟ باز فرمود: «یا لیتنی قد لقیتم اخوانی» سپس فرمود: «انتم اصحابی و لکن اخوانی الذین یأتون من بعدکم یؤمنون بى و یحبونى و ینصرونى و ینصقونى و ما راونى فیما لیتنى قد لقیتم اخوانی» یعنی: ای کاش من برادران خود را می دیدم، آنها هم گفتار خود را تکرار کردند. حضرت فرمود: شما اصحاب من هستید ولی برادران من کسانی می باشند که بعد از شما می آیند و به من ایمان می آورند و مرا دوست دارند و یاری می کنند و تصدیق می نمایند و مرا هم ندیده اند ای کاش من برادران خود را می دیدم. (کمال الدین وتمام النعمه، ج ۲، ص ۶۱)

همچنین شیخ صدوق رحمته الله در کتاب «خصال» در خبری که اعمش از حضرت امام صادق رحمته الله روایت نموده نقل می کند که حضرت فرمود: دین امامان پرهیزکاری و عفت و صلاح، تا آنجا که فرمود: و انتظار فرج با صبر و بردباری است. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۰۵)

و شیخ الطائفه رحمته الله در کتاب «امالی» از سعید بن مسلم و او از امام زین العابدین رحمته الله و از پدرش و او نیز از امیرالمؤمنین رحمته الله روایت نموده است که پیغمبر رحمته الله فرمود: «هر کس به اندکی از روزی خدا از خداوند راضی باشد، خدا هم به عمل قلیلی از وی خشنود است و انتظار فرج عبادت است.» مردی از آن حضرت پرسید: کدام عمل نزد خدا محبوبتر است؟ فرمود: انتظار فرج. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۹۲)

احادیث ائمه اطهار رحمته الله درباره امام زمان رحمته الله

۱. پیامبرگرامی اسلام رحمته الله: المهدي طاووس اهل الجنة.

مهدی رحمته الله طاووس اهل بهشت است. (الشهاب فی الجگم و الآداب، ص ۱۶)

۲. پیامبرگرامی اسلام رحمته الله: افضل اعمالی امتی انتظار فرج.

افضل اعمال امت من انتظار فرج و ظهور امام زمان علیه السلام است. (الشهاب فی الجگم و الآداب، ص ۱۶)

۳. حضرت مهدی رحمته الله: أكثروا الدعاء بتعجيل الفرج فإن ذلك فرجکم.

برای تعجیل در ظهور من زیاد دعا کنید که خود فرج و نجات شما است. (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵)

۴. مولی امیرالمؤمنین رحمته الله: إنتظروا الفرج ولا تباشوا من روح الله.

همواره در انتظار (فرج و ظهور صاحب الزمان علیه السلام) باشید و یأس و ناامیدی از رحمت خدا به خود راه مدهید. (بحار، ج ۱۵، ص ۱۲۳)

۵. امام جعفرصادق رحمته الله: من مات منکم و هو منتظر لهذا الأمر کان کمن هو مع القائم فی فسطاطه.

هر کس از شما که در حال انتظار ظهور حضرت مهدی رحمته الله از دنیا برود همچون کسی است که در خیمه و معیت آن حضرت در حال جهاد به سر می برد. (بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۶)

۶. پیامبرگرامی اسلام رحمته الله: من أنكر القائم من وُلدی أثناء غيبته مات ميتة جاهلية.

کسی که قائم (مهدی رحمته الله) را که از فرزندان من است در دوران غیبتش منکر شود، بر حالت جاهلیت قبل از اسلام از دنیا خواهد رفت. (منتخب الاثر، ص ۲۲۹)

۷. امام جعفرصادق رحمته الله: لو لم یبق من الدنيا الا يوم واحد لَطَوَّلَ اللهُ ذلك اليوم حتى یخرج قائمنا أهل البيت.

اگر از عمر دنیا تنها یک روز مانده باشد خداوند آن روز را آنقدر طولانی می کند تا قائم ما اهل بیت رحمته الله ظهور یابد. (منتخب الاثر، ص ۲۵۴)

۸. حضرت مهدی رحمته الله: فإننا یحیط علمنا بأنبائکم و لا یعزب عننا شیء من أخبارکم.

ما از اوضاع شما کاملاً باخبریم و هیچ چیز از احوال شما بر ما پوشیده نیست. (بحار، ج ۵۳، ص ۱۷۵)

۹. حضرت مهدی رحمته الله: إني أمان لأهل الأرض كما أنّ النجوم أمان لأهل السماء.

من برای اهل زمین امن و امانم همان گونه که ستارگان آسمان امن و امان اهل آسمانند. (بحار، ج ۷۸، ص ۳۸)

۱۰. امام جعفرصادق رحمته الله: المنتظر للثاني عشر كالشاهر سيفه بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله يدب عنه.

کسی که در انتظار امام دوازدهمین خود به سر می برد همانند کسی است که در رکاب رسول خدا رحمته الله شمشیر کشیده و از آن حضرت دفاع می نماید. (کمال الدین، ص ۶۴۷)

۱۱. حضرت مهدی رحمته الله: إنا غير مهملين لمراعاتكم ولا ناسين لذكركم و لولا ذلك لتزل بكم الأواء و اصطلكم الأعداء.

ما در رعایت حال شما هیچ کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم وگرنه محنت و دشواری ها شما را فرا می گرفت و دشمنان شما را از بن و ریشه قلع و قمع می ساختند. (بحار، ج ۵۳، ص ۷۲)

۱۲. حضرت مهدی رحمته الله: أنا خاتم الأوصياء و بى يدفع الله البلاء عن أهلى و شيعتى.

من ختم کننده راه اوصیا هستم و به وسیله من خدا بلاها را از اهل بیت من و شیعیانم دفع می نماید. (غیبت شیخ طوسی، ص ۲۴۶)

۱۳. پیامبرگرامی اسلام رحمته الله: یخرج المهدي و على رأسه غمامة في ها مناد ينادى هذا المهدي خليفة الله فاتبعوه.

زمانی که حضرت مهدی رحمته الله ظهور می کند ابری بالای سر دارد که در آن منادی ندا می کند این مهدی خلیفه الله است، از او متابعت و پیروی کنید. (بحار، ج ۵۱، ص ۸۱)

۱۴. امام جعفرصادق رحمته الله: قبل قيام القائم خمس علامات محتومات. أيماني و الشفائي و الصيحة و قتل النفس الزكية و الحسف بالبيداء.

پیش از ظهور حضرت قائم رحمته الله وقوع این پنج علامت حتمی است: ظهور یمانی (از یمین)، سفیانی (از شام)، صیحه و فریاد آسمانی، کشته شدن نفس زکیه (سیدی بزرگوار در مسجدالحرام) و فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین بیداء (بیابان میان مکه و مدینه).

(الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۶ - بحار، ج ۵۲، ص ۲۰۴)

۱۵. امام محمدباقر رحمته الله: و قتل غلام من آل محمد عليهم السلام بين الزكن و المقام إسمه محمد بن الحسن (النفس الزكية).

از علائم نزدیک ظهور حضرت (جوانی از آل محمد رحمته الله به نام محمد بن الحسن «نفس زکیه» میان رکن حجرالاسود و مقام ابراهیم به شهادت می رسد. (بحار، ج ۵۲، ص ۱۹۲)

۱۶. امام جعفرصادق رحمته الله: ليس بين قيام قائم آل محمد عليهم السلام و بين قتل النفس الزكية الا خمس عشرة ليلة.

فاصله میان قیام قائم آل محمد رحمته الله و شهادت «نفس زکیه» تنها پانزده روز خواهد بود. (بحار، ج ۵۲، ص ۲۰۳)

۱۷. امام جعفرصادق رحمته الله: قدأما القائم موتان: موت احمز و موت أبيض حتى يذهب من كل سبعة خمسة! الموت الأحمز السيف و الموت الأبيض الطاعون.

پیش از قیام حضرت، دو نوع مرگ و میر خواهد بود: یکی مرگ سرخ و دیگر مرگ سفید آنچنان (سهمگین و هولناک) که از هر هفت نفر پنج نفر از بین خواهند رفت! مرگ سرخ با شمشیر (اسلحه) و مرگ سفید بیماری (همه گیر) طاعون است. (کمال الدین، ص ۶۵۵)

۱۸. امام جعفرصادق رحمته الله: لا يقوم حتى يقتل الثلث و يموت الثلث و يبقى الثلث!

قیام حضرت نخواهد بود تا زمانی که یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم دیگر می میرند و تنها یک سوم باقی خواهند ماند! (بشارت الاسلام، ص ۱۷۵)

۱۹. امام جعفرصادق رحمته الله: كذب الوقاتون، إنا أهل بيت لا نؤقت.

دروغ می گویند کسانی که زمان ظهور حضرت را پیشگوئی می کنند. ما خاندان اهل بیت برای فرج حضرتش زمان معین نمی کنیم. (بحار، ج ۵۲، ص ۱۱۸)

۲۰. امام محمدباقر رحمته الله: إذا خرج أسند ظهره إلى الكعبة و اجتمع له ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً. فأول ما ينطق به هذه الآية «بقيّة الله خير لكم إن كنتم مؤمنين.»

زمانی که حضرت ظهور می کند به خانه کعبه تکیه می دهد و در خدمتش سیصد و سیزده نفر (یاران به تعداد لشکریان بدر) حضور پیدا می کنند. اول سخن حضرت آیه شریفه است: «بقيّة الله خير لكم إن كنتم مؤمنين.» (اعلام الوری، ص ۴۳۳)

منابع

- إثبات الوصية، علی بن حسین مسعودی، ترجمه محمد جواد نجفی
- إعلام الوری بأعلام الهدی، امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی
- الإحتجاج علی أهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، احمد ترجمه غفاری مازندرانی
- أصول الكافي، محمد بن یعقوب، کلینی، ترجمه کمره ای
- الإيقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة، محمد بن حسن شیخ حر عاملی - بحار الانوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، مترجم علی دوانی
- بشارة الإسلام فی علامات المهدي رحمته الله، سید مصطفی حسینی کاظمی
- تحف العقول، ابن شعبه حرانی حسن بن علی، ترجمه صادق حسن زاده
- الشهاب فی الجگم و الآداب، یحیی بن حسین بحرانی
- کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی ابن بابویه، ترجمه علی اکبر غفاری و پهلوان
- الغیبه للنعمانی، ابن ابی زینب، ترجمه علی اکبر غفاری
- غیبت شیخ طوسی
- منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر رحمته الله، لطف الله صافی گلپایگانی



العجل العجل يا صاحب الزمان